

رخنه در حیات خلوت

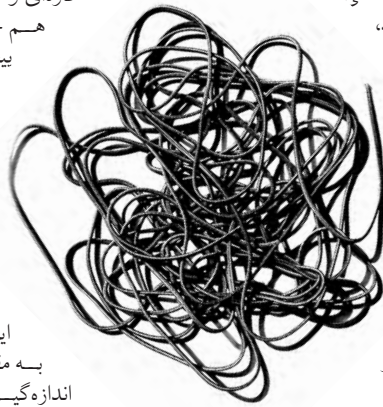
درباره‌ی دو کتاب فلسفه‌ی علم قاره‌ای

رضیا علیزاده مصفاقی



مطالعات
انسانی

فلسفه‌ی علم آن گونه که در ایران معرفی شده است، زیر شاخه‌ای از فلسفه‌ی تحلیلی است و ورود به مباحث و دستگاه فکری تحلیلی و یادگیری منطق‌های مختلفی که اغلب فلاسفه‌ی تحلیلی آن‌ها را پیشنهاد داده‌اند، شرط لازم برای مباحث فلسفی پیرامون علم و چیستی آن و نیز شرط روشن شدن معانی و پاسخ‌های احتمالی پرسش‌های هستی‌شناسانه و شناخت‌شناسانه پیرامون نظریه‌های علمی و هستی‌مندهای مفروض در این نظریات می‌باشد. این دیدگاه به ویژه در دهه‌های نخست قرن بیستم نظریه‌ی معیار در مورد فلسفه‌ی علم بود و البته به همین میزان هم بیش‌تر فلاسفه‌ی علم در اردوگاه فلسفه‌ی تحلیلی قرار داشتند.



با ورود رسمی فلسفه‌ی علم به دانشگاه‌های ایران نیز، تحت تأثیر این فضا، اساتید، فضای دانشگاهی و کتب منتشرشده در کشور بیش‌تر تحلیلی بوده‌اند و حداکثر اگر از این فضا فاصله‌ای پیدا کرده‌اند در حد برخی رویکردهای توصیفی در فلسفه‌ی علم تحلیلی باقی مانده است. بر همین اساس بی‌مناسبت نیست که فلسفه‌ی علم را طی تمام این سال‌ها حیاط خلوت امنی برای فلسفه‌ی تحلیلی بدانیم که عرصه‌ی مباحثات و مناظراتی از جنس منطق و رویکرد فلاسفه‌ی تحلیلی بوده است و سایر نخله‌ها و مکاتب فلسفی را بدان راهی نبوده است.

با همه‌ی این‌ها اما دو اتفاق فضای درست تحلیلی فلسفه‌ی علم را با رویکردی غیر تحلیلی مواجه ساخته است. این دو اتفاق عبارتند از انتشار دو کتاب در حوزه‌ی فلسفه‌ی علم که از قضا هر دو از منظر فلسفه‌های قاره‌ای نوشته شده‌اند. این دو اثر به ترتیب عبارتند از: «فلسفه‌های قاره‌ای علم» گرد آوری از گری گاتینگ و ترجمه‌ی پریسا صادقیه و نیز «فلسفه‌ی علم پدیدارشناسی هرمنوتیک» که تألیفی است از محمد حسین ملایری.

دو نگاه

بی‌مناسبت نیست که فلسفه‌ی علم را طی تمام این سال‌ها حیاط خلوت امنی برای فلسفه‌ی تحلیلی بدانیم که با انتشار دو کتاب فلسفه‌ی علم قاره‌ای در آن رخنه‌ای جدی از سوی اردوگاه قاره‌ای شده است

جهات چکیده و برداشتی است از کل کتاب و لذا مطالعه، بررسی و نقد آن برای هر دانشجو و محقق فلسفه‌های قاره‌ای و فلسفه‌ی علم جالب توجه خواهد بود. هم چنین لازم به یادآوری است که علی‌رغم بیچیدگی زبانی و نوشتاری فلاسفه‌ی قاره‌ای ترجمه‌ی این اثر توسط پریسا صادقیه به شیوایی و ظرافت انجام شده است که توسط مؤسسه‌ی انتشارات ایران و نشر فردا چاپ شده است.

اثر دوم تألیفی است از آقای محمد حسین ملایری در مورد فلسفه‌ی علم پدیدارشناسی هرمنوتیک. این اثر به رویکرد پدیدارشناسی-هرمنوتیک به مقوله‌ی علم و مفاهیمی چون واقعیت و اندازه‌گیری در مکانیک کوانتومی می‌پردازد. این کتاب نیز حاوی مقدمه‌ی جالبی از پروفیسور پاتریک هیلان از پیش‌روان نگرش پدیدارشناسی هرمنوتیک در مورد مکانیک کوانتومی است. پاتریک هیلان که خود دانش‌آموخته‌ی فوق‌دکترای فیزیک کوانتوم در انرژی‌های بالا از دانشگاه پرینستون و نیز دکترای فلسفه‌ی علم از دانشگاه لوون و نیز شاگرد اساتید بزرگی چون شرودینگر، ویکنر و هاینبرگ بوده است در این مقدمه به رهیافت پدیدارشناسانه-هرمنوتیک از مکانیک کوانتومی می‌پردازد. همچنین کتاب با معرفی و شرحی از گونه‌شناسی فلسفه‌ی علم و نقد فلسفه‌ی اثبات‌گرایانه‌ی علمی با تمهیداتی به پدیدارشناسی و هرمنوتیک رسیده است و پس از شرح فلسفه‌ی علم هایدگر، فلسفه‌ی علم پدیدارشناسی-هرمنوتیک را معرفی کرده و شرح می‌دهد. دست آخر به تحلیل برخی از چالشی‌ترین مفاهیم مکانیک کوانتومی چون واقعیت و اندازه‌گیری از منظر این مکتب می‌پردازد. نکته‌ی جالب توجه در این اثر نیز قلم شیوا و روان مؤلف آن است. این کتاب توسط مرکز تحقیقات استراتژیک چاپ شده است.

نکته‌ی مشترک در هر دو کتاب آن که هر دو از سطحی خوب، فنی و دانشگاهی برخوردار هستند و بیشتر مناسب حال خوانندگان هستند که با مباحث مقدماتی و اصلی فلسفه‌ی علم آشنا باشند و احیاناً دستی هم در سایر نخله‌های فلسفی داشته‌اند. بی‌تردید هر دو کتاب آگاری جلدی و عمیق هستند و مطالعه، تأمل و نقد ایشان نیازمند فهم دقیق مفاهیمی است که در حوزه‌ی فلسفه‌ی علم طرح می‌کنند. با چاپ و عرضه‌ی این دو اثر باید پذیرفت که به حیاط خلوت امن فلسفه‌ی تحلیلی رخنه‌ای جدی از سوی اردوگاه قاره‌ای شده است. شایسته است که این دو اثر ارزش‌مند در محافل تحلیلی به شکلی منصفانه، غیرشتاب‌زده و فلسفی مورد خوانش، واکاوی و نقد قرار گیرند. ■

بی‌نوشت

۱- دانشجوی دکتری فلسفه‌ی علم